

سه دغدغه اصلی معلم زبان: زبان، یادگیری و یاددهی



براساس نظر دو اندیشمند بزرگ فرانسوی در حوزه آموزش زبان، گلیسون و پرن (۵: ۱۹۹۹)، روش تدریس هر معلم روشی شخصی و مختص به خود اوست و شکل گیری آن از زمانی است که شروع به تدریس می کند. او در تدریس عملی از خود سؤال هایی می کند و خود نیز به دنبال پاسخی برای این سؤالات می گردد. گاه خود ابداع کننده روش تدریس است بدون کمک گرفتن از دیگران و گاه ممکن است روشی را از دیگری برگزیند و تغییراتی در آن پدید آورد به نحوی که روشی مختص خود او گردد. در آموزش زبان شناختن سؤالاتی که معلم در جست و جوی یافتن پاسخ آنهاست بسیار مهم هستند. مهم ترین سؤالاتی که معلم زبان می کوشد به آنها پاسخ دهد به این شرح است: پرسش اول: تعریف من از زبان چیست؟ پرسش دوم: برداشت من از یادگیری زبان چیست؟ پرسش سوم: برداشت من از یاددهی زبان چیست؟ در ادامه می کوشیم تا به هر یک از این پرسش ها پاسخ دهیم.

کلیدواژه ها: نقش معلم، تربیت معلم - روش های تدریس

اشاره

در این سلسله مقالات می کوشیم تا با بیان دستاوردهای محققان برجسته فرانسوی به تبیین نقش معلم در آموزش زبان، اهمیت تربیت معلم و روش های عملی تدریس بپردازیم. در ابتدا باید به این سؤال پاسخ دهیم که معلم زبان کیست؟ در پاسخ می توان گفت که معلم زبان فردی است که حداقل در دو زمینه تخصص دارد: تخصص در زبان خارجی و تخصص در آموزش آن.

شاید امروزه با وجود وسایل آموزشی و کمک آموزشی گوناگون مانند کتاب های زبان، کتاب های تمرین، ابزار کمک آموزشی چند رسانه ای و گسترش چشمگیر اینترنت، ایده تربیت معلم برای طراحی کلاس زبان کمی عجیب به نظر برسد. اما بدیهی است که علی رغم موارد مزبور هنوز جامعه به معلمانی متخصص در حوزه زبان آموزشی نیاز دارد، و این معلمین همواره متقاضی دوره های تربیت معلمی هستند که شیوه های جدید تدریس و نحوه به کارگیری ابزار آموزشی و کمک آموزشی را به آنها آموزش دهد.

اکبر عبداللهی (نویسنده مسئول)

استادیار آموزش زبان فرانسه دانشگاه تهران

Email: akbar.abdollahi@ut.ac.ir

آسیه خواجه علی

کارشناس ارشد آموزش زبان فرانسه دانشگاه تهران

Email: a.khajehali@ut.ac.ir

مجزا و خارج از محیط ارتباطی فراگرفته شوند، هر چند این ارتباط بسیار محدود باشد.

۲. برداشت من از یادگیری زبان چیست؟

همه معلم‌ها مفهومی کمابیش ضمنی از یادگیری در ذهن خود دارند. این تعریف مبتنی بر تجربه‌ها، آموزش‌ها، خواننده‌ها و چالش‌هایی است که ضمن آموزش و تدریس با آن مواجه بوده‌اند. امروزه می‌دانیم که یادگیری فعالیتی است که از طریق اهداف تعریف می‌شود. در هنگام تدریس زبان، معلم باید این سؤالات را از خود بکند: اهداف فعالیت‌های یادگیری کدامند؟ چه زمانی من می‌توانم بگویم که زبان‌آموز مطلب درسی را یاد گرفته است؟ وقتی زبان‌آموزان در حال یادگیری هستند من چه انتظاراتی از آن‌ها دارم؟ فعالیت‌های یادگیری چه فعالیت‌هایی هستند؟ چگونه می‌توانم از دستیابی به اهداف فعالیت‌های یادگیری مطمئن شوم؟ در پاسخ به پرسش‌های مطرح شده باید سه موضوع مهم را مدنظر قرار داد: انواع دانستن، سطوح متفاوت یادگیری و تسلط بر زبان و ابزار آموزش زبان.

۲.۱. انواع دانستن

بر اساس کتاب چارچوب مشترک اروپایی مرجع برای زبان‌ها^۱ انواع دانستن در چهار دسته قرار می‌گیرد: دانش^۲، دانش عملی^۳، دانش بینشی^۴ و دانش یادگیری^۵. در این پژوهش به توضیح سه مفهوم دانش، دانش عملی و دانش بینشی در مبحث آموزش زبان می‌پردازیم. در این تقسیم‌بندی منظور از دانش، هنگامی که بدون هیچ صفتی به کار می‌رود، همان به‌خاطر سپاری و یادآوری است. در این زمینه آنچه معلم از زبان‌آموزان انتظار دارد این است که آن‌ها آموزه‌هایی را یاد بگیرند و به اندازه کافی این آموزه‌ها را به‌خاطر بسپارند و قادر باشند که آن‌ها را به یاد آورند، مانند ساختارهای دستوری زبان و برخی از لغات. اما در حوزه

۱. تعریف من از زبان چیست؟

مفهوم زبان در طول قرن بیستم تغییرات قابل توجهی یافته است. بنابر نظر کورتیون (۶: ۲۰۰۳)، محقق فرانسوی در آموزش زبان، در دهه پنجاه قرن بیستم، زبان به‌عنوان مجموعه‌ای از ساختارها تعریف می‌شد که می‌بایست قوانین ترکیب آن‌ها را آموخت تا بتوان آن‌ها را به کار گرفت. در این سال‌ها بیشتر قواعد دستوری و ساختار زبان تدریس می‌شد. از سال‌های ۱۹۷۰ تعریف زبان به سمت برقراری ارتباط متمایل شد. از این منظر زبان برای برقراری ارتباط و تبادل پیام‌ها به کار می‌رود. بنابراین انتخاب جملات، ساختارهای زبانی منطبق با موضوع پیام و انتقال درست آن بین مخاطبان از اهمیت بسیاری برخوردار است. اما می‌دانیم که استفاده درست از زبان تنها محدود به به‌کار بردن ساختارهای درست زبانی نیست، بلکه ساختارها و مفاهیم باید با موضوع و شرایط ارتباطی‌ای که شخص در آن قرار گرفته است منطبق باشد. بنابراین می‌توان گفت قرار گرفتن در شرایط ارتباطی و برقراری ارتباط اصلی‌ترین محرک یادگیری زبان است و در این وضعیت است که ساختارهای زبانی، به‌منظور برقراری ارتباط، فراگرفته می‌شوند. این‌گونه آموزش زبان مؤثرتر و انطباق‌پذیرتر با یادگیری زبان مادری توسط نوع بشر است. چرا که می‌دانیم انسان زبان مادری را از طریق برقراری ارتباط با دیگران می‌آموزد نه با خواندن کتاب‌های دستور و لغت. تغییر اساسی‌ای که رویکرد ارتباطی در یادگیری زبان ایجاد کرد این بود که باید ساختارهای زبانی را در حین برقراری ارتباط آموخت نه اینکه این ساختارها به‌طور

دانش عملی، آنچه

معلم از زبان‌آموزان انتظار دارد

تنها دانش نیست بلکه توانایی عملی (نه تنها توانایی بیان بلکه توانایی انجام) است. در این مورد زبان‌آموز باید توانایی تبیین، ایجاد و کنترل یک رشته از فعالیت‌های مشخص را به‌منظور دستیابی به نتایج موردنظر داشته باشد. به‌عنوان مثال استفاده از قاعده مشتق‌پذیری کلمات برای یافتن معنی کلمات ناآشنا، قواعد

نحوی برای ساختن جملات یا استفاده از دانش فرهنگی برای تفسیر عملکرد یا رفتار یکی از شخصیت‌های یک رمان. در حوزه دانش بینشی زبان‌آموز می‌آموزد که از ابزار استفاده کند. در نظریه‌های آموزش‌شکاو^۱ زبان‌های خارجی زبان‌آموزان نه تنها از طریق دانش و دانش عملی بلکه از طریق دانش بینشی به نگرشی کلی در مورد زبان دست پیدا می‌کنند. این نگرش کلی در زبان فرانسه اصطلاحاً اهداف تکوینی^۲ و آموزشی^۳ را شکل می‌دهد. به‌عنوان مثال می‌توان از استقبال از فرهنگ‌های متفاوت و درک اعتقادات گویشوران زبان مقصد در این زمینه نام برد.

۲.۲. سطوح متفاوت یادگیری

و تسلط بر زبان

آموزش زبان، یادگیری در سطوح مختلف زبانی تعریف و ارزیابی می‌شود. گلیسون و پرن (۱۹۹۹: ۱۰) سطوح مختلف زبانی را براساس انتظاراتی که معلم از زبان‌آموز در هر یک از این سطوح دارد معرفی می‌کنند، در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

۱. در سطح یک، زبان‌آموز باید قادر باشد همه اشکال زبانی فراگرفته شده را به یاد آورد. به‌عنوان مثال، باید قادر باشد که یک متن را به زبان خود خلاصه و تعریف کند، یا اصطلاحات زبانی را به‌خاطر بسپارد. بنابراین اینجا صحبت از حفظ کردن و به‌خاطر سپردن به میان می‌آید. به عبارت دیگر زبان‌آموز بتواند آموخته‌های خود را در شرایط معنایی درست بازسازی^۴ کند این سطح در حوزه دانش بیانی قرار می‌گیرد.

۲. در سطح دو، زبان‌آموز باید بتواند به‌طور آگاهانه از آموخته‌های خود استفاده کند. این آموخته‌ها به او اجازه می‌دهد که زبان خارجی را تحت کنترل خود درآورد و اشتباهات خود را در به‌کارگیری آن‌ها اصلاح کند. به‌عنوان مثال: به‌کاربردن قواعد کلمات مشتق به‌طور منطقی، انتخاب کلمات، ساختارهای درست دستوری یا ساختارهای گفتمانی و استدلالی. بنابراین در اینجا ما از سطح درک مفهوم صحبت می‌کنیم که دربرگیرنده دانش عملی به‌صورت آگاهانه و متفکرانه است.

۳. در سطح سه، زبان‌آموز باید قادر باشد در برابر محرک‌های فعلی و موقعیتی مشخص بلافاصله عکس‌العمل نشان دهد و بتواند جواب‌های درست و ساختارهایی را که فراگرفته است به‌کار گیرد. این سطح از یادگیری استفاده خودکار^۵ نامیده می‌شود. این سطح نیز در حوزه دانش عملی قرار می‌گیرد اما در این سطح به‌کارگیری ساختارهای زبانی توسط زبان‌آموز به شکل ناخودآگاه و تا حدودی اتوماتیک است.

۴. در سطح چهار، زبان‌آموز باید بتواند به شیوه‌ای خودانگیخته^۶ ساختارهای زبانی فراگرفته شده را در موقعیت زبانی واقعی یا شبیه‌سازی شده تحقق بخشد. به‌عنوان مثال زمانی که زبان‌آموز ساختارهای زبانی را برای صحبت در مورد موضوعی جدید و از قبل تعیین نشده در کلاس استفاده می‌کند و یا به سؤالات معلم بدون آمادگی قبلی پاسخ می‌گوید. این سطح از یادگیری انتقال

در هنگام تدریس زبان، معلم باید این سؤالات را از خود بکند: اهداف فعالیت‌های یادگیری کدام‌اند؟ چه زمانی من می‌توانم بگویم که زبان‌آموز مطلب درسی را یاد گرفته است؟ وقتی زبان‌آموزان در حال یادگیری هستند من چه انتظاراتی از آن‌ها دارم؟ فعالیت‌های یادگیری چه فعالیت‌هایی هستند؟ چگونه می‌توانم از دستیابی به اهداف فعالیت‌های یادگیری مطمئن شوم؟ در پاسخ به پرسش‌های مطرح شده باید سه موضوع مهم را مدنظر قرار داد: انواع دانستن، سطوح متفاوت یادگیری و تسلط بر زبان و ابزار آموزش زبان

بنابراین می‌بینیم که

سؤال: «چگونه برای یاد دادن تدریس کنیم؟» در حوزه‌ای قرار می‌گیرد که فرایند یادگیری و یاددهی کاملاً متمرکز بر یاددهی است که در آن معلم همه نتایج فرایند یادگیری را در ارتباطی تنگاتنگ با روش تدریس خود در نظر می‌گیرد. این دیدگاه کاملاً قابل احترام است. بسیاری از زبان‌آموزان گاه به معلمی بسیار اقتدارگرا نیاز دارند. اما باید این نکته را در نظر داشت که فرایند یاددهی و یادگیری فرایندی گسترده است و به شرایط و عوامل متعددی از جمله شرایط محیطی، سن و نیازهای زبان‌آموزان بستگی دارد و برای انتخاب روش مناسب باید همه جوانب و شرایط را مدنظر قرار داد. در نوشته‌های آینده می‌کوشیم تا الزامات عملی تدریس براساس این الگوها را مورد بررسی قرار دهیم.

پی‌نوشت‌ها

1. CECR: Cadre européen commun de référence pour les langues
2. Savoir
3. Savoir-faire
4. Savoir-être
5. Savoir apprendre
6. Didactique
7. Objectifs formatifs
8. Reconstruction
9. Automatisation
10. Spontané
11. Reproduction
12. Compréhension
13. Production convergente
14. Production divergente

Bibliographie

- Atienza, J. L. 1995. L'approche communicative: un appel à la résistance. ELA, Paris: Didier Erudition, volume 100.
- Beau D. 2008, *La boîte à outils du formateur*. Paris: Les éditions d'organisation.
- Conseil de l'Europe, 2001. *Cadre européen commun de référence pour les langues*. Paris: Didier.
- Courtyllon. J. 2003. *Elaborer un cours de FLE*. Paris: Hachette.
- Galisson, R, Puren. C. 1999. *La formation en questions*. Paris: CLE international.
- Kramsch. C. 1948. *L'interaction et discours dans la classe de langue*. Collection LAL, Paris: Didier-Hatier.
- Lataste D. 2008, *Gérer les conflits dans vos formations*. Paris: Eyrolles.
- Orsenna. E. 2001. *La grammaire est une chanson douce*. Stock.
- Trocmé. H. 1987. *J'apprends, donc je suis*. Paris: Les éditions d'Organisation.

یادگیری

نامیده می‌شود و این

زمانی است که زبان‌آموز بتواند ساختارهای

جدیدی را بازتولید^{۱۱} نماید. این سطح تنها به‌طور تدریجی و با

تمرین‌های اصولی و قاعده‌مند شکل می‌گیرد.

۲.۳. ابزار آموزش زبان

ابزارهای آموزشی که توسط معلم‌ها برای آموزش زبان استفاده می‌شوند متفاوت هستند، اما به‌طور حتم همه آن‌ها فعالیت‌های ذهنی یادگیری را نزد زبان‌آموز هدف قرار می‌دهند. فعالیت‌های ذهنی یادگیری در پنج گروه طبقه‌بندی می‌شوند: ۱. بازتولید ۲. ادراک^{۱۲} ۳. به‌کارگیری اصول زبانی یا تولید همگرا^{۱۳} ۴. شرکت فعال زبان‌آموزان در کارهای گروهی یا تولید واگرا^{۱۴} ۵. حل کردن مشکلات جدید. بنابراین هنگامی که معلم تمرین و فعالیت‌های زبانی را در کلاس انجام می‌دهد باید به این موضوع فکر کند که هر تمرین و فعالیت در کدام یک از گروه‌های پنج‌گانه قرار می‌گیرد و هدف از انجام هر فعالیت و تمرین چیست.

۳. برداشت من از یاددهی زبان چیست؟

پاسخ دادن به این سؤال ارتباط تنگاتنگی با مفهوم فرایند یاددهی و یادگیری زبان دارد. شیوه‌های متفاوت درک رابطه بین فرایند یادگیری و یاددهی در جدول زیر مشخص شده است. در این رابطه باید به این موضوع توجه داشت که آیا فرایند یادگیری و یاددهی متمرکز بر معلم و آموزش است و یا متمرکز بر زبان‌آموز و روند و شیوه‌های یادگیری اوست. در این جدول شیوه‌های متفاوت تدریس از تمرکز بر یاددهی به سمت تمرکز بر یادگیری نشان داده شده است.

تمرکز بر یادگیری ← → تمرکز بر یاددهی

یاددادن	درس یاددادن	درس دادن و یادگرفتن	ارتقای یادگیری برای یادگیری	رها کردن برای یادگیری
معلم همه روش‌ها و شیوه‌های آموزشی را به‌کار می‌گیرد.	معلم روش‌های یاددهی و یادگیری را به همراه زبان‌آموزان مدیریت می‌کند.	معلم روش‌های یادگیری متفاوت را ارائه می‌دهد.	معلم به شیوه‌های مخصوص در یادگیری زبان کمک می‌کند.	معلم اجازه می‌دهد تا زبان‌آموزان هر یک شیوه‌های یادگیری مخصوص خود را برای یادگیری زبان اتخاذ کنند.